



ویژه نامه محرم الحرام - ۱۴۳۷ شماره اول
هیات دانشجویی خادمان مهدی (عج)

فلسفه

مشایخی در راه محبت
دل آشفته و طوفانی
در روز بیعت می شکستند
بهر نفس بر پیشانی

سلام، عزادار امام حسین. مزاحم نمی‌شوم؛ فقط می‌خواستم بگم این حرف آقای ماست: «من برای اصلاح امت جدم به وسیله امر به معروف و نهی از منکر قیام کردم» امام حسین ع بیایید تو ایام محرم، توی خیابان، اداره، مغازه، توی تاکسی و اتوبوس، مدرسه و دانشگاه، هر جا که هستیم، به یاد این جمله باشیم و یک قدم با اقامون همراه بشویم...

امام حسین (ع) با این عبارت، می‌خواهند نقش محوری امر به معروف و نهی از منکر را نشان دهند به گونه‌ای که هدف نهایی قیام خویش را تحقق این امر می‌دانند. اگر توجهی به جایگاه اصیل امر به معروف و نهی از منکر شود، مقصود حضرت از این سخن روشن تر خواهد شد.

اصل «امر به معروف و نهی از منکر» در تمامی ادیان ابراهیمی مطرح و وظیفه تمامی پیامبران، رسولان، ائمه (ع) و مؤمنان می‌باشد. این مسأله یک وظیفه شرعی و فقهی صرف نیست بلکه ملاک، معیار و در واقع علت فرستادن رسولان الهی است زیرا عالم مادی، عالم اختلاط خوبی‌ها و بدی‌ها، حق و باطل، خوش آیندها و ناگواری‌ها، ظلمت و نور، فضایل و رذایل است و این امور گاهی چنان درهم تنیده می‌شوند که شناخت آن‌ها و سپس تأسی و عمل به آن، دشوار می‌گردد. ادیان الهی با شناساندن معروف و منکر و در واقع خوب و بد، حق و باطل، ظلمت و نور، فضایل و رذایل به انسان‌ها و به دنبال آن دستور به انجام معروف‌ها و بازداشتن از منکرها، هدایت الهی را به آدمی می‌آموزند و او را به صراط مستقیم رهنمون می‌شوند.

رسول خدا (ص) درباره اهمیت و جایگاه ویژه امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا در روی زمین و جانشین کتاب خدا و جانشین رسول خداست» (۱) و حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «قوم شریعت ادین امر به معروف و نهی از منکر است» (۲)
قرآن کریم ویژگی «امر به معروف و نهی از منکر» را در مؤمنان، بر اقامه نماز و دادن زکات و اطاعت از خدا و رسولش مقدم می‌دارد. (۳)

بنابراین، اصل امر به معروف و نهی از منکر مخصوص امام حسین (ع) نیست بلکه وظیفه تمامی پیامبران، رسولان، امامان، صالحان و مؤمنان می‌باشد. اما از آنجا که معروف و منکر در زمان سیدالشهداء (ع) به شدت مختلط گردیده و از سوی دیگر منکر در تمامی ابعاد، رایج شده بود و معروف در تمام ساحت‌هایش متروک مانده بود و این وضعیت منجر به خاموشی دین اسلام و فراموشی سنت نبوی و علوی گشته بود اباعبدالله (ع)، اعتراض به وضع موجود و احیای سیره رسول خدا (ص) و دین اسلام و دفاع از آن را تنها در سایه امر به معروف و نهی از منکر محقق می‌دانست. به همین دلیل آن حضرت هدف از قیام خویش را اصلاح جامعه به وسیله امر به معروف و نهی از منکر بیان می‌کرد: «انی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی (ص) ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر» (۵)
در پایان این نوشته توجه شما را به سؤال ۲۸۰۵ که در توضیح المسائل امام خمینی ره مطرح شده جلب می‌کنم: مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان فرمائید؟ جواب: مرتبه اول آن است که با شخص معصیت کار، طوری عمل شود که بفهمد برای ارتکاب او به معصیت این نحو عمل با او شده است، مثل اینکه از او رو برگرداند، یا با چهره عبوس با او ملاقات کند، یا ترک مروده با او کند و از او اعراض کند به نحوی که معلوم شود این امور برای آن است که او ترک معصیت کند. مرتبه دوم از امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی به زبان است، پس با احتمال تأثیر و حصول سایر شرایط امر به معروف و نهی از منکر واجب است اهل معصیت را نمی‌کنند و تارک واجب را امر کنند به آوردن واجب. مرتبه سوم توسل به زور و جبر است، پس اگر بداند یا اطمینان داشته باشد که ترک منکر نمی‌کند یا واجب را بجا نمی‌آورد مگر با اعمال زور و جبر، واجب است لکن باید تجاوز از قدر لازم نکند.

پی نوشت:

(۱) میزان الحکمه، ج ۳، ص ۸۰.

(۲) غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۰۰.

(۳) نکا: توبه، آیه ۷.

(۴) نکا: اصول کافی، ج ۵، ح ۱، ص ۵۵.

(۵) بحار الانوار، ج ۴۴، باب ۲۷، ح ۲.

یانفس من بعد الحسین هونی

این، اولین جمله ی رجز حضرت عباس علیه السلام است زمانی که وارد شریعه ی فرات شد.

ای نفس عباس، اگر امامت، حسین علیه السلام را تنها بگذاری، ذلت و خواری دامت را خواهد گرفت...

چقدر عجیب، عباس و تنها گذاردن حسین علیه السلام، هیئات، او که در وفا سرآمد همه ی بشریت است چرا به خودش اینگونه نهیب می زند؟

یانفس... آی عباس، با توام، حواست را خوب جمع کن، یادت نرود زندگی بی حسین علیه السلام جز ذلت ثمری ندارد...

بیاید کمی مطلب را بازتر کنیم. از اینجا شروع میکنیم.

احتمالا سؤال های زیر، به ذهن شما هم خطور کرده باشد.

چقدر حرف تکراری می زنی... چقدر روزه ی تکراری می خوانی... آه خدای من، چقدر در قرآنت می گویی که عذاب من چنین و چنان است؟، چقدر دم از ثواب و عقاب می زنی؟

او جواب می دهد

ای رسول ما، فذکر، دائما به گوش مردم بخوان، مکرر یادآوری کن حرف هایم را... که چه بشود!؟

...فَإِنَّ الذِّكْرَ تَفْعَعُ الْمُؤْمِنِينَ يادآوری برای مؤمنین سودمند است.

آخر خدای من! حرف تکراری زدن جز خستگی چه سودی دارد؟!

به نفس خودت دائم گوشزد کن، از تذکر عباس علیه السلام به خودش بیاموز که حتی اگر عباس هم باشی باز باید مواظب نفست باشی تا در مسیر حق و حقیقت بمانی، تا از حق منحرف نشوی، چرا که

حق منحرف نشوی، چرا که

...إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلاَّ مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

شاید مراقبه از نفس که مورد تاکید علمای اخلاق است از راه همین تذکر دائمی به نفس محقق می شود.

و چه زیبا فرمود امام متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام

من نصب نفسه للناس إماما فلبيدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره

هر کس می خواهد جلودار مردم و الگوی آنها باشد باید ابتدا به اصلاح خودش پردازد، آری عباس به خودت تذکر بده، توی می خواهی شاخص شوی، قرار است امام صادق علیه السلام در شان تو بگوید:

كان عمنا عباس نافذ البصيرة

پس باید دائم به خودت تذکر دهی، خودت را مخاطب قرار دهی که

یا نفس من بعد الحسین هونی

بگو تا خدای ناکرده غفلت تو را در بر نگیرد و فراموش نکنی...

یادمان باشد: برای کسی که در مسیر ولایت حسینی گام بر می دارد یادآوری سختی ها، ملزومات راه و فراز و نشیبها ضروری و لازم است.

نشود ما هم مثل کسانی که بعد از عمری خدمت در مسیر اهل بیت (ع)، به خاطر نداشتن معرفت و محبت به ایشان، در وسط راه جا زدند، بشویم.

ماهم صبح و شام به خودمان یادآوری کنیم

زندگی بی رنگ و بوی حسین علیه السلام، ارزش زندگی ندارد...

ابو ثمامه صائدی (صیادی)

عمر بن عبدالله، معروف به ابو ثمامه، از چهره های سرشناس شیعه در کوفه بودند که در شجاعت و اسلحه شناسی زبان زد خاص و عام بود. وقتی مسلم بن عقیل برای بیعت گرفتن از مردم وارد کوفه شدند. ابو ثمامه را مسئول دریافت کمک های مالی و تهیه اسلحه کردند. وی پس از پراکنده شدن مردم از دور مسلم بن عقیل و پیش از شروع درگیری های کربلا، خود را از کوفه به کربلا رساند و در زمره یاران امام حسین علیه السلام قرار گرفت. نقل می کنند در روز عاشورا نزدیک ظهر خود را به امام حسین علیه السلام رساند و به آن حضرت گفت: «جانم فدای تو دشمنان لحظه به لحظه به ما نزدیک تر می شوند. دوست دارم مانع حرکت آنها به سوی شما باشم، هر چند در این راه کشته شوم، اما قبل از شهادت می خواهم نماز ظهر را با تو بخوانم. امام علیه السلام نگاهی به آسمان کردند و فرمودند: «نماز را به یاد ما آوردی؛ خدا تو را از نمازگزاران ذاکر قرار دهد». آن گاه ابو ثمامه و جمعی دیگر با امام علیه السلام به نماز ایستادند. او پس از نماز به میدان رفته، به شهادت رسید.



معرفی کتاب

لمعات الحسين عليه السلام
این کتاب یکی از آثار علامه محمد حسین طهرانی می باشد که حاوی برخی از خطبه ها و مواضع حضرت سیدالشهداء علیه السلام است که با ذکر مدارک از کتب معتبره نقل گردیده و فقط به ترجمه آنها اکتفا شده است، تا بواسطه ایجاز و اختصار قابل آن باشد که در محافل و مجالس نوشته شده، در منظر مردم قرار گیرد و اذهان را از لمعات انوار حسین علیه السلام روشن کند و این میراث پرمایه را به نسل بعد انتقال دهد.

منتخبی از مطالب کتاب عبارتست از :

بیان هدف خلقت مردم و بیان راه رسیدن به معرفه الله.

- وصیت حضرت به برادرشان محمد بن حنفیه.

- خطبه حضرت در ترغیب به معروف و رفع حوائج بندگان خدا.

- موعظه به مرد عاصی.

- بیان خیر دنیا و آخرت.

- خطبه حضرت در منی و اتمام حجت نسبت به ولایت اهل بیت.

- فرمایش حضرت در هنگام خروج از مکه بسوی کربلا.

- گفتار حضرت در وقت ممانعت حر بن یزید ریاحی.

- سخنان حضرت در شب و روز عاشورا.

- بیان مقتل و وقایع روز عاشورا.